

#### زیست‌بوم

## حیات جوامع در گرو حفظ منابع طبیعی

#### مظفرشیروانی

مشاوربین المللی جنگل و محیط زیست

♦ نامه آقای علی عبداله‌خانی از مقامات حوزه معاونت راهبردی رئیس‌جمهور با موضوع ارتقای ساختار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و تشکیل وزارت منابع طبیعی، نشان‌دهنده توجه دولت به اهمیت منابع طبیعی است. این منابع که بیش از ۸۳ درصد عرصه‌های کشور را شامل می‌شود، تحت نظر و متولی‌گری سازمان منابع طبیعی کشور اداره می‌شود. متأسفانه این سازمان با وجود داشتن سطحی به این گستردگی، خود بخشی از وزارت کشاورزی است و به‌عنوان یک معاونت در این وزارتخانه و زیر نظر وزیر آن فعالیت می‌کند. درحالی‌که سیاست‌های بخش کشاورزی عمدتا در راستای افزایش تولید حتی به قیمت تغییر کاربری عرصه‌های منابع طبیعی است. سایه این سیاست بر سازمان منابع طبیعی هم سنگینی می‌کند و چنین است که عرصه منابع طبیعی از راه‌های قانونی و غیرقانونی به کشت زیر اشکوب، خشخاش‌کاری، کشت گیاهان دارویی، باغ‌داری و توسعه دامداری در جنگل‌ها اختصاص می‌یابد.

ازبین‌بردن یکباره پوشش گیاهی در اثر تغییر کاربری جنگل‌ها و مراتع و تخریب تدریجی آن بر اثر فعالیت‌های ناسازگار با طبیعت ازجمله چرای بیش از حد دام، موجب فرسایش و سیر قهقراپی خاک، گسترش ریزگردها، طغیان رودخانه‌ها، پرشدن مخزن سدها و پدیده بحث‌برانگیز شدت‌یافتن تغییرات اقلیمی خواهد شد. چنین وضعیتی در زمینه افزایش درجه حرارت و گرمایش زمین و تداوم خشک‌سالی‌ها، منابع طبیعی را به وضعیت بحرانی کنونی رسانده و این همه متأثر از سیاست‌های اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی در بخش منابع طبیعی است.

ایران با ۱۳.۵ میلیون هکتار جنگل و عرصه‌های جنگلی پتانسیل‌های زیادی را در امر کم‌کردن اثرات ناساعد تغییرات اقلیمی، مانند تعدیل درجه حرارت هوا و افزایش میزان بارش‌های مختلف سالانه دارد که متأسفانه در اثر فعالیت‌های نامتناسب کشاورزی، این پتانسیل‌ها به‌شدت تقلیل یافته و در بسیاری از موارد از بین رفته است. به بیانی دیگر منابعی که باید نقش اساسی را در کم‌کردن درجه حرارت هوا، افزایش میزان بارش سالانه، تثبیت خاک، جلوگیری از ریزگردها و ش‌های روان و... ایفا کنند، خود تحت تأثیر عوامل نامساعد طبیعی و غیر طبیعی دچار مشکلات زیستی دیگری مانند طغیان آفات و بیماری‌ها شده‌اند؛ به‌طوری که مقاومت درختان در بخش‌هایی از جنگل‌ها را درهم شکسته و آینده آنها را با مخاطرات جدی مواجه کرده است. تدابیر اتخاذی سازمان منابع طبیعی به‌منظور خروج به‌موقع دام از جنگل‌ها و کنترل آن در مراتع عملا تا توجه به ساختار ضعیف سازمانی و وابستگی شدید به وزارت جهاد کشاورزی تاکنون موفقیت‌یابسته نداشته و حتی در بیشتر جنگل‌ها مانند زاگرس، ارسباران و ناحیه روشی ایران و تواراتی کاملا ناموفق بوده است. حل مسائل و مشکلات اجتماعی، خروج به‌موقع دام از جنگل و به حد تعادل نگه‌داشتن آن در مراتع اموری نیستند که به‌تنهایی از عهده سازمان منابع طبیعی با چنین ساختاری برآید. برای حل‌وفصل چنین مسائل بغرنجی در درجه نخست نیاز به ساختاری منسجم‌تر، گسترده‌تر و باکیفیت‌تر از آنچه تاکنون داشته دارد. در صورت تحقق نظر کارشناسی حوزه معاونت راهبردی رئیس‌جمهوری و ارتقای سازمان منابع طبیعی به وزارتخانه این انتظار می‌رود که وزارت منابع طبیعی با جلب همکاری و مشارکت سایر وزارتخانه‌ها تدابیر مقتضی را در امر توسعه جوامع محلی، ایجاد اشتغال، کاهش وابستگی جنگل‌نشینان به جنگل از طریق خروج هرچه سریع‌تر دام از جنگل‌ها و همچنین کنترل و متعادل‌کردن چرای دام در مراتع به عمل آورد.

بدیهی است هرچه پوشش گیاهی کشور اعم از جنگل‌ها و مراتع انبوه‌تر بوده و گسترش بیشتری داشته باشد، به همان نسبت هم میزان جذب انیدرید کربننیک از اتمسفر هوا بیشتر و متعاقب آن درجه حرارت هوا معتدل‌تر خواهد بود. نخستین گام و اجتناب‌ناپذیرترین گام در این زمینه خارج‌کردن دام از جنگل‌ها و به حد تعادل رساندن آن در مراتع است.



منابع طبیعی کشور منابع تولیدی هستند که چنانچه به‌درستی مدیریت شده و در آن طرح‌های احیایی، پرورشی با استفاده از دانش روز تهیه و به اجرا گذاشته شود، هرگز موجودیت آن از بین نخواهد رفت. جنگل‌ها و مراتع تولیدکننده آب، غذا، چوب و علوفه و همچنین تعدیل‌کننده درجه حرارت هوا، حافظ خاک و آب‌رسانی در دریاها و انیدرید کربنیک موجود در هوا هستند. علاوه بر آن، امروزه تجارت کربن (انیدرید کربنیک) به‌عنوان یکی از منابع اقتصادی بسیار بالارزش در جهان می‌تواند با توجه به سطح گسترده جنگل‌ها نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا کند.

مساحت، موقعیت و توان تولیدی منابع طبیعی کشور به حدی است که هرگونه سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف آن، علاوه بر دستاوردهای گسترده محیط‌زیستی با کمترین ریسک‌های اقتصادی مواجه است، یکی از مهم‌ترین موانع، نبود بهره‌برداری درست مطابق با اصول زیربنایی اکولوژی انفکرات و سیاست‌های وزارت کشاورزی توسط سازمان منابع طبیعی است. درحالی‌که فعالیت‌های بخش کشاورزی به ناگزیر عامل تخریب منابع طبیعی است، سیاست‌های بخش منابع طبیعی ضامن احیا و پایداری آن است. بخش عمده‌ای از علل گرم‌شدن هوای کشور و خشک‌سالی‌ها و همچنین ازبین‌رفتن تنوع گونه‌ای، حاصل استفاده بی‌حد و نادرست از کودهای شیمیایی و سموم آفات و بیماری‌های گیاهی است. گسترش اراضی زراعی از طریق تبدیل عرصه‌های منابع طبیعی کشور به زمین‌های فقیر کشاورزی و رهاکردن آنها به حال خود پس از چند سال بهره‌کشی، رهاورد تفکر توسعه‌ستنی کشاورزی است که افزایش تولید و خودکفایی غذایی را در گسترش سطح جست‌وجو می‌کند. این موانع باید از پیش پای سازمان منابع طبیعی برداشته شود تا به‌درستی قادر به انجام وظایف علمی و قانونی خود شده و حیات کشور را با حفظ، توسعه و احیای جنگل‌ها و مراتع کشور تضمین کند. تا زمانی که استقلال سازمان منابع طبیعی از طریق ارتقا به وزارتخانه محرز نشود، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و وضعیت منابع طبیعی روزبه‌روز قهقراپی‌تر خواهد شد.

یک وزارتخانه منابع طبیعی مستقل علاوه بر حفظ ثروت ملی و جلوگیری از تکه‌پاره‌شدن آن و واگذاری زمین به صاحبان قدرت، می‌تواند علاوه بر وظایف حفاظت‌احیا و توسعه منابع طبیعی بخش عمده‌ای از بار سنگین و حل‌نشدنی سازمان‌های محیط زیست و عشایری کشور را هم در زمینه‌های توسعه و احیای پوشش گیاهی و جلوگیری از آتش‌سوزی‌های بی‌رویه بر عهده بگیرد. امید که این دیدگاه ارائه‌شده، جامعه تحقق به خود پیوشد و بر نگرانی‌های نابودی حیات جامعه بر اثر تخریب منابع طبیعی پایان دهد.



کامران‌محمدی

### گزارش «شرق» از مراجعه دیر هنگام مجروحان به مراکز درمانی و گفت‌وگو با آسیب‌دیدگان، رئیس سازمان نظام پزشکی و رئیس روابط عمومی وزارت بهداشت

# علت جراحی: مجهول

یکی نابینا شده، دیگری با خطر قطع عضو مواجه است و بسیاری هم درگیر عفونت‌های شدید هستند. آنها کسانی

هستند که در ماجراهای دی‌ماه مصدوم شدند، اما هنوز به مراکز درمانی مراجعه نکرده‌اند یا مراجعه‌های دیر هنگامی داشته‌اند؛ زخم‌هایی که به‌جای اتاق عمل، در خانه مداوا شدند. ترس از بازداشت یا احضار باعث شده بسیاری از مجروحان، درمان را به تعویق بیندازند یا اصلا به مراکز درمانی مراجعه نکنند؛ تعویقی که حالا برای بعضی از آنها به نابینایی، خطر قطع عضو، عفونت‌های شدید و ناتوانی دائمی و حتی مرگ انجامیده است. در حالی که مسئولان وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کنند مراکز درمانی باید فضایی امن و بدون فشارهای امنیتی برای همه بیماران باشد، با این حال روایت زخمی‌ها و

#### درمانی نیمه‌کاره و پاهای مجروح

تعدادی از ساچمه‌ها را با کمک مادر و خواهرش از کمر و پشت ساق یا بیرون کشیده‌اند، اما درد هنوز همراه روز و شب امیرعلی است؛ پسر جوانی که به دلیل نگرانی از برخورد‌های قضائی به مراکز درمانی مراجعه نکرده است: «شاید نزدیک به ۷۰ ساچمه به بدنم اصابت کرده بود. آن‌قدر درد داشتم که همان ۱۸ دی، بعد از شلیک، دوستانم زیر بغلم را گرفتند و من را به خانه رساندند. همان شب خواهرم از داروخانه بتادین، آب‌مقطر، پانسمان و چند داروی قوی مسکن و آنتی‌بیوتیک تهیه کرد. با کمک مادرم چند ساچمه را خارج کردند ولی باقی در بافت بدن ماند. از گردن تا پشت مچ پاهایم آسیب دیده است. درد بسیار بدی بود و پزشک معتمدی هم نمی‌شناختم تا برای معاینه مراجعه کنیم. یک هفته بعد دوستانم، دندان‌پزشک سالخورده‌ای را معرفی کردند که به آنجا رفتم، چند ساچمه دیگر را تخلیه کرد و قرار شد چند روز بعد دوباره مراجعه کنم؛ چون گفتند احتمال عفونت زخم‌ها بسیار بالاست. فردای همان روز شنیدم که وی دستگیر شده، بنابراین پس از آن به پزشک دیگری مراجعه نکردم. از ترس عفونت زخم‌ها مرتب آنتی‌بیوتیک مصرف می‌کنم

ولی هنوز درد شدیدی دارم. حس می‌کنم ساچمه‌ها در بدنم حرکت می‌کنند. وقتی پاشنه پاهایم را زمین می‌گذارم انگار میخک کف پایم فرومی‌رود و نمی‌دانم با این وضعیت باید چه کار کنم، چون توان راه‌رفتن را از من گرفته است».

#### عصب انگشتان از کار افتاده

دستانش باد کرده بود و بی‌حسی در انگشتانش شروع شده بود که برای مراجعه به پزشک اقدام می‌کنند. محسن جوان دیگری است که نوزدهم دی‌ماه با شلیک ساچمه، دستش دچار آسیب می‌شود: «همان شب خودم را به خانه رساندم، چون اصلا قصد مراجعه به مراکز درمان را نداشتم. برای خرید بتادین و بانده از داروخانه هم ترس داشتم. حدود ۱۵ ساچمه در دستم بود که چندتای آنها خون‌ریزی بیشتری داشت که با هیچ مسکنی آرام نمی‌شد. روز بعد دستم به شدت باد کرده بود و انگشتانم هم حرکت نمی‌کرد. حتی خودمان هم سعی کردیم در خانه ساچمه‌ها را بیرون بیاوریم، ساچمه‌ها بسیار عمیق بودند و اصلا نمی‌شد با موچین یا ابزار ساده آنها را خارج کرد. روز بعد متوجه شدیم که دستم عفونت کرده و ورم دارد و عملا امکان درمان درست وجود نداشت. بعد از دو روز با پیگیری دوستان‌مان پزشک معتمدی پیدا کردیم و پزشک تأکید کرد باید چند ساچمه حتما خارج شود، چون نزدیک مفصل است و نیاز به رادیولوژی دارد. ولی به هیچ‌کس اعتماد نداریم و فکر می‌کنم عصب یکی از انگشتانم دیگر کار نمی‌کند. الان مانده‌ام چه کار کنم. امیدوارم حداقل بتوانیم آن یکی یا دو ساچمه‌ای را که آسیب‌زننده‌تر و دردناک‌تر هستند، خارج کنیم».

#### تحمل چندین روز درد وحشتناک صورت

درد تجربه هفته‌های اخیر «نکین» است. از هجدهم تیرماه که تیر صورت و فکش را هدف گرفت تا همین حالا، حتی که وعده غذا هم نخورده و همچنان توان درست حرف‌زدن ندارد: «یک هفته فقط با نی، مایعات می‌خوردم. فکم نصف شده بود و سقف دهانم هم پاره شده بود. در تمام این مدت درد شدیدی داشتم اما به هیچ مرکز درمانی مراجعه نکردم. تنها غذایی که می‌توانستم بخورم نوشیدنی با نی بود که البته همان هم به سختی می‌خوردم، چون فکم را نمی‌توانستم حرکت بدهم و امکان داشت در گلویم ببرد. فقط یکی از دوستانم که پرستار است سقف دهانم را بخیه کرد، ولی فکم در همان وضعیت بود. بعد از چند روز و تحمل این شرایط وحشتناک، هفته قبل در یک مرکز درمانی، عمل جراحی شدم و در مورد علت هم گفتیم گوشه پنجره به صورت‌م اصابت کرده است، در صورتی که اقدام دیرتر امکان کج‌جوش خوردن و به‌هم‌خوردن ظاهر صورتم را در پی داشت».

#### نسترن فرخه

بخشی از کادر درمان در گفت‌وگو با «شرق»، از شرایط دیگری در بیمارستان‌ها حکایت دارد؛ فضایی که مجروحان را وادار کرده زخم‌های عمیق ناشی از شلیک ساچمه و تیر جنگی را در خانه تحمل کنند که همین مسئله عوارض جسمی متعددی برای آنها در پی داشته و خواهد داشت. با این حال رئیس سازمان نظام پزشکی برای «شرق» توضیح می‌دهد که بیش از ۲۵ هزار نفر از مجروحان اعتراضات، در بازه‌ای حدود یک هفته، به مراکز بهداشت و درمان کشور مراجعه کرده‌اند. مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت هم برای «شرق» بازگو می‌کند که پس از هشدارها دربراه خطر درمان دیر هنگام، نزدیک به سه هزار نفر دیگر که پیش‌تر به دلیل ترس مراجعه نکرده بودند، به مراکز درمانی مراجعه کرده و خدمات دریافت کرده‌اند.

#### نابینایی و قطع عضو؛ نتیجه درمان دیر هنگام

بسیاری از زخمی‌های اعتراضات اخیر با مراجعه دیر هنگام به مراکز درمان دچار آسیب‌های غیرقابل جبران شدند. همچون پسر جوانی که طبق گفته‌های پرستار یکی از بیمارستان‌های دولتی در تهران، حالا نابینا شده است: «ساچمه کنار چشمش اصابت کرده بود، روزهای اول نوری می‌دید، اما چون چند روز بعد برای درمان اقدام کرد، به‌طور کامل نابینا شد». این پرستار توضیح می‌دهد: «چند روز بعد از اعتراضات، پسری حدودا ۱۹ یا ۲۰ساله به بیمارستان آمد که مشخص بود از درد به خود می‌پیچد ولی به بخش تریاژ مراجعه نمی‌کرد. بعدا متوجه شدیم منتظر آشنایی بوده تا با کمکش بی‌خطر در بیمارستان ویزیت شود. بعد از ویزیت متوجه شدیم دو روز قبل تیر به بازوی او اصابت کرده و کل استخوان بازو خرد شده است. برای درمان در این چند روز به پزشک مراجعه نکرده و پانسمانی ساده روی زخمی به این هولناکی گذاشته بود. خلاصه عمل انجام شد ولی به دلیل آمبولی و آسیب به عصب دست و عروق دچار عوارض جدی شده بود و به بخش آی‌سی‌یو منتقل شد. ترس از مراجعه به مراکز درمان احتمال قطع عضو دستش را بالا برده بود. با این حال علت جراحی را در پرونده مجهول ثبت کردیم، ولی همین موضوع هم کنجکاوی‌ها را بیشتر کرد».

در بین کادر درمان روایت‌های متفاوتی از زخمی‌هایی وجود دارد که برای درمان دیر اقدام کرده‌اند. طبق گفته‌های رادیولوژیست یکی از مراکز درمانی تهران به «شرق»، روزهای اول مردم از ترس به مراکز درمان و بخش

عکس‌برداری مراجعه نمی‌کردند: «برخی از آنها که برای عکس‌برداری می‌آمدند، با درمان در خانه تیرها را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌رسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از پای او بیرون کشیده بودند، اما همچنان درد شدید داشت. در عکس‌برداری مشخص شد هنوز تیر دیگری در پای او وجود داشته که همان منجر به عفونت شدید شده بود. الان که چند هفته از اعتراضات گذشته، همچنان این زخمی‌ها با ترس به مرکز ما مراجعه می‌کنند و همکارانم ساعت‌های خلوت به آنها نوبت می‌دهند تا دردسری ایجاد نشود».

#### عوارض درمان دیر هنگام ادامه‌دار است

پزشکان و حتی مسئولان وزارت بهداشت بارها به معترضانی که در اعتراضات مورد شلیک قرار گرفته‌اند هشدار داده‌اند تا برای درمان حتما به مراکز درمانی مراجعه کنند. بیژن عابدیان، فوق‌تخصص جراحی عروق، در گفت‌وگو با «شرق» به عوارض مختلف درمان نکردن زخم‌های ناشی از شلیک ساچمه اشاره می‌کند و می‌گوید: «زخم‌های ناشی از اصابت ساچمه حتی در مواردی که در نگاه اول کوچک یا سطحی به نظر برسند، می‌توانند در صورت درمان‌نشدن منجر به عوارض بلندمدت و گاهی جبران‌ناپذیر شوند. این نوع آسیب‌ها صرفا یک ضایعه پوستی نیستند و ممکن است ساختارهای عمقی بدن را هم درگیر کرده باشند. برخی از مهم‌ترین عوارض شناخته‌شده عبارت‌اند از عفونت بافت‌های نرم و باقی‌ماندن ساچمه در بدن، خونریزی پنهان، آسیب به اعصاب یا عروق و نکروز یا مرگ بافتی و در مواردی ناتوانی دائمی عضو آسیب‌دیده. نکته قابل توجه آن است که بخشی از این آسیب‌ها در روزهای ابتدایی علامت واضحی ندارند و بیمار با احساس بسبب نوسانی در مراجعه را به تأخیر می‌اندازد. این تأخیر می‌تواند درمان را پیچیده‌تر کند. گرچه بدن انسان توانایی ترمیم بالایی

می‌گوید: «بیش از ۲۵ هزار مراجعه به مراکز بهداشت و درمان در مدت‌زمانی حدود یک هفته مدیریت شد و بیش از ۱۳ هزار عمل جراحی سنیک و سنگین انجام گرفت. از جراحان عمومی، ارتوپد، پلاستیک و به‌ویژه جراحان چشم گرفته تا متخصصان بیهوشی، آی‌سی‌یو، اورژانس، پزشکان عمومی، پرستاران و مدیران حوزه سلامت، همه با فداکاری، شجاعت و ازخودگذشتگی پای کار بودند. در برخی بیمارستان‌ها، حتی بیمارستان‌های خصوصی، با استادنان پیش‌کسوت شبانه تماس گرفته شد. آمدند و تا صبح در اتاق عمل بودند، بدون اینکه هیچ حق‌الزحمه‌ای ثبت کنند. برخی به صراحت گفتند هیچ پرونده‌ای برای خودشان شارژ نمی‌کنند. در حوزه چشم‌پزشکی، حجم مجروحان فراتر از ظرفیت تحمل بیمارستان بود، اما استادان پیش‌کسوت داوطلبانه آمدند و کمک کردند. حتی الان هم که با شما صحبت می‌کنم، خود من هنوز عمل‌های تأخیری این مجروحان را انجام می‌دهم. بیش از پنج تا شش هزار پزشک و جراح به‌طور مستقیم درگیر رسیدگی به مجروحان بوده‌اند و بیش از ۶۰ هزار نفر از کادر درمان، ازجمله پرستاران، در این روند مشارکت داشته‌اند. از طرفی ما از همان ابتدا طی مکاتباتی که با سردار رادان داشتیم، نامه نوشتیم و درخواست کردیم امنیت مراکز درمانی به‌طور ویژه رعایت شود تا هیچ‌کس به این مراکز تعرض نکند و همکاران ما بتوانند با فراغ بال به همه بیماران رسیدگی کنند. یعنی هر مجروحی بدون ترس و واهمه به مراکز درمانی مراجعه کند». رئیس کل سازمان نظام پزشکی درباره زخمی‌های اعتراضات دی‌ماه که برای درمان در اقدام کردند نیز اضافه می‌کند: «مواردی از تأخیر در مراجعه دیده‌ام که منجر به قطع عضو، از‌دست‌رفتن چشم، عفونت‌های شدید و حتی مرگ شده است. بیماری فرقی نمی‌کند، تأخیر در درمان همیشه خطرناک است».

#### درخواست وزارت بهداشت برای امنیتی‌نشدن مراکز درمان

با وجود هشدارهای مکرر وزارت بهداشت برای اهمیت درمان مجروحان، همچنان بسیاری به دلیل احتمال برخورد‌های قضائی به مراکز درمان و بیمارستان‌ها مراجعه نمی‌کنند. حسین کرمانپور، رئیس روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درباره تلاش برای کاستن فضای امنیتی بیمارستان‌ها به «شرق» توضیح می‌دهد: «ما از روز اول در وزارت بهداشت یک خط سیر را طی کردیم. یکی اینکه به همه طرف‌های درگیر در این مسئله یادآور شویم که مراکز درمانی و سلامتی کشور باید در امنیت کامل باشند تا هم کسانی که زخمی می‌شوند به‌راحتی بتوانند منتقل شوند و هم افرادی که داخل این مراکز در حال درمان بیماران هستند بدون هرغدغه‌ای کار درمانی‌شان را انجام دهند. بیمارانی که به مراکز ما می‌آیند یا توسط آمبولانس منتقل می‌شوند، بدون هیچ‌گونه تفاوتی، از هر گروهی که باشند، باید تحت مداوا قرار بگیرند و هیچ تبعیضی در این زمینه به‌هیچ‌وجه قائل نبودیم. کادر درمان با شلوعی شدیدی مواجه شد که به شیف‌ها اضافه کرد و حتی استادانی که بازنشسته شده بودند نیز به بیمارستان‌ها بازگشتند. به‌طوری که حتی در یک بیمارستان بالای ۲۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی ما که بازنشسته شده بودند، آمدند و به‌صورت رایگان جراحی انجام دادند. تلاش کردیم در همان لحظات اولیه با کمک شورای عالی بیمه، هزینه‌های درمانی مصدومان و مجروحان حادثه را رایگان کنیم؛ غیر از مورد خیلی کم که آن هم به دلیل این بود که بخش‌نامه بود یا آن مراکز درمان رسیده بود یا ندیده بودند که بعدا استرداد شد. تقریبا می‌شود گفت ما از هیچ‌کسی پول نگرفتیم و حجم قابل توجهی از ذخایرمان را برای این‌این عزیزان مصرف کرده و کمک کردیم که درمان شوند. حدود ۱۳ هزار عمل جراحی را رایگان انجام دادیم و بخش درخور توجهی از بیماران هم الان ترخیص شده‌اند. برای بعضی از اعمال جراحی دو یا سه بار هم انجام شده است. تعداد قابل توجهی از بیماران حال‌شان خوب است. تعداد دیگری از بیماران بدحال ما همچنان در آی‌سی‌یو هستند که بالای صد نفرند و همچنان در سراسر کشور تحت نظر هستند». با توجه به برخی روایت‌ها که فضائی امنیتی حاکم در مراکز درمان مانع از حضور مجروحان برای درمان شده، کرمانپور توضیح می‌دهد: «از دستان امنیتی و انتظامی خواشش کردیم و رؤسای بیمارستان‌هایمان نیز همکاری کامل داشتند که بیماران بدانند بدون هیچ دغدغه‌ای از پیگیر، بیایند و کارهای درمانی‌شان را در زمانی که بستری هستند انجام دهند. حتی چندین بار من و معاون درمان خواشش کردیم اگر فرد زخمی در خانه‌مانده و برای درمان مراجعه نکرده، امکان آسیب به ارگان‌های دیگر بدن هم وجود دارد و باید به مراکز درمانی مراجعه کنند و تحت مداوا قرار بگیرند. بعد از این اظهارات نزدیک به سه هزار نفر مراجعه کردند و خدمات درمانی به آنها ارائه شد که بیشترشان عفونت، توسعه زخم و حتی تشدید عوارض ناشی از این جراحی بود که تحت عمل جراحی قرار گرفتند و الان در حال درمان هستند».

**برخی از آنها که برای عکس‌برداری می‌آمدند، با درمان در خانه تیرها را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی از موارد جوانی ۱۹ساله بود که خانواده در خانه تیر جنگی را از بدن خارج کرده بودند. مثلا یکی از آنها تیر به پایش خورده بود و توانسته بودند خودشان گلوله را خارج کنند، اما همچنان برای گرفتن سی‌تی‌اسکن هم می‌ترسیدند مراجعه کنند که مشخص شود به عصب آسیب رسیده یا نه. از هفته‌های دوم موجی از مراجعه‌کنندگان آمدند که در بدن‌شان ساچمه و تعدادی هم تیر جنگی بود، یکی**